بسم الله الرحمن الرحیم

# ایجاد انگیزه

## دین، درخت طیبه

خداوند متعال در یکی از آیات سوره مبارکه ابراهیم، دین را با تعبیر کلمه طیبه به یک درخت پاک تشبیه می‌کند که ریشه این درخت، ثابت است و هیچ قدرتی نمی‌تواند به این ریشه، ضربه بزند؛ چونریشه دین در توحید است، توحید حضرت حق! خدا می‌فرماید که شاخ‌وبرگ این درخت،آسمانی است و رشد آن بهطرف فراترین حقیقت، یعنی پروردگار عالم است. این درخت، میوه‌اش همیشگی است و چهار فصل ندارد. تابستان، زمستان، پاییز و بهار برای همین درخت‌های معمولی است؛ ولی این درخت، چهار فصل ندارد و فقط یک فصلِ میوه دارد که این فصل هم دائمی است. پایان آیه می‌فرماید: من این دین را به شجره طیبه تشبیه کردم و برای این به شجره طیبه مثل زدم که مردم بدانند ماهیت، حقیقت، ریشه، تنه، شاخ‌وبرگ و میوه این دین چیست.

# متن و محتوا

## رد ادیان اختراعی

قرآندنبالِ این آیه، تمام فرهنگ‌ها و دین‌های اختراعی گمراه‌کننده را رد می‌کند.خدا علوم را رد نمی‌کند؛ چونعلم را یا یک دانشمند مؤمن مثل ابن‌سینا به جامعه بشری ارائه داده یا شخصیت‌های علمی شیعه که آدم‌های بسیار متخصصی در علوم صنایع و ریاضی بودند، مثل ابن‌هیثم یا اینکه این علوم را غیرمؤمن ارائه داده است؛ مانند دانشمندان مشهوری که از قرن هفدهم تا حالا، این رشته‌های علمی را تقویت کرده‌اند. پس خداوند در آیه دوم، هیچ نظری به علوم بشری ندارد که در زندگی کاربرد دارد. همه علوم، مثبت است و برای انسان هم دارد کار می‌کند.

حرف خداوند متعال در آیه بعد درباره فرهنگ‌های بشری است و نه علوم بشری! دین‌های اختراعی که تعدادش هم معلوم نیست و شروع این دین‌های اختراعی از زمان قابیل بوده، بعد هرکسی آمده و دینی ساخته و به ملت هم گفته است که من، شما را با این دین،نجات می‌دهم یا به سعادت می‌رسانم و آن را ارائه داده  است؛ ولیاین ادیان اختراعی، هیچ‌کس را از زمان قابیل تا حالا به سعادت نرسانده‌اند. ادیان اختراعی، وضع بشر و اخلاق و روانش را تخریب کردند. ملاحظه می‌کنید که خودکشی در غرب چقدر فراوان است! کشتن هم چقدر فراوان است! حالا اینها آمارهایی است که بهدست می‌آورند. به‌تازگیدر هر 24 ساعت در آمریکا، چهل‌ جوان با اسلحه کشته می‌شوند؛ همه‌شان هم سیاه نیستند، یکی–دو نفر سیاه‌پوست و سی‌ نفرهم سفیدپوست را می‌کشند. کنار این فرهنگ انسانی، خبر دارید که هالیوود چه بلایی از فساد بر سر بشر آورده است؟ فیلم‌ها، ماهواره‌ها، روزنامه‌های با قلم تخریبی، مجلات، عکس‌ها، معاشرت‌ها، اینها همه مربوط به فرهنگ‌های اختراعی است.من هندوستان نرفته‌ام؛ ولی مجلات مربوط به هند را می‌خوانم.کتاب‌هایی هم دارم که مربوط به فرهنگ هند است. در هندوستان که نزدیک یک‌میلیارد جمعیت دارد، پانزده‌میلیون دین اختراعی و ساختگی وجود دارد.

## معرفی دین

ایکاش، همه جوانان این کشور، چه آنهایی که با منبر و محراب ارتباط دارند، چه آنهایی که ارتباط ندارند یا فراری‌اند، همین یک آیه [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) مجید را درک می‌کردند؛ چون در آیه قبلش، خدا دین خودش را معرفی کرده است. خدا دین خودش رادین علم، حکمت، اعتقاد، اخلاق، خیر و تعاون نامیده است. همه این عناوین در [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) مجید آمده است: «تَعٰاوَنُوا عَلَی اَلْبِرِّ وَ اَلتَّقْویٰ» ﴿المائدة، 2﴾، این دین، دین تعاون، خیر، تقوا، ورع، پاکی، اخلاق و عاطفه است.خداوند متعال در سوره ابراهیم می‌گوید: «ضَرَبَ اَللّٰهُ مَثَلاً کلِمَةً طَیبَةً» ﴿إبراهیم، 24﴾، کلمه طیبه یعنی همین اسلام خدا، «کشَجَرَةٍ طَیبَةٍ أَصْلُهٰا ثٰابِتٌ» ﴿إبراهیم، 24﴾، ریشه در توحید الهی است، «وَ فَرْعُهٰا فِی اَلسَّمٰاءِ» ﴿إبراهیم، 24﴾، تنه و شاخ‌وبرگ این دین، آسمانی است؛ یعنی زمینی نیست، مادّی نیست: «تُؤْتِی أُکلَهٰا کلَّ حِینٍ» ﴿إبراهیم، 25﴾، فصل ندارد و هر وقت که شما بخواهید، می‌توانید از میوه این دین، مثل توبه، مهرورزی، کمک به بندگان خدا و عبادات استفاده کنید. شب، نیمه شب، سحر، روز، تابستان و زمستان «تؤتی اکلها کل حین وَ یضْرِبُ اَللّٰهُ اَلْأَمْثٰالَ لِلنّٰاسِ»، من این مَثَل‌ها را برای بیدارکردن مردم در [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) می‌زنم که دین، شبیه شجره طیبه است: «لَعَلَّهُمْ یتَذَکرُونَ» ﴿إبراهیم، 25﴾.

## ادیان اختراعی

 پانزده‌میلیون دین در هند است.ادیانی که در اروپا و آمریکا به کلمه ایسم ختم می‌شود، بیشتر از دویست‌تاست و من کتابش را دارم. مخترع هرکدامش یک یهودی یا مسیحی بوده است. من تحقیق که کردم، نود درصد مخترعان دین در این سه قرن از صهیونیست‌ها بوده‌اند. اختراع دین در کشور خودمان زیاد بوده است؛ پاک‌دینی برای کسروی بود، بهائیت برای علی‌محمد باب بود، صوفی‌گری ریشه در منطقه رمله شام دارد. یک صوفی معروف است که تمام صوفیان قبولش دارند، شما هم اسمش را شنیده‌اید! عبدالرحمن جامی است. ایشانکتاب مفصّلی به نام *نفخات‌الانس* دارد که من خوانده‌ام. خانقاه، صوفی‌گری، سماع، کشکول، پیر، سجاده، خرقه، ریشه کل اینها به یک مسیحی در رمله شام برمی‌گردد. همه اینها دین‌های اختراعی است. اینها از نگاه خدا چیست؟ «وَ مَثَلُ کلِمَةٍ خَبِیثَةٍ» ﴿إبراهیم، 26﴾، دین‌های آلوده که از فکرهای آلوده سرچشمه گرفته، از افکار شیطانی سرچشمه گرفته است؛ مثل کلمة خبیثة، «کشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اُجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ اَلْأَرْضِ» ﴿إبراهیم، 26﴾، دینی است که از ریشه بیرون نزده، «اجتثت من فوق الارض»، یک علف خشک بی‌سود و بی‌برکت بر روی زمینی است. در مقابل دین خودش که می‌گوید: «اصلها ثابت»، ریشه‌اش غیرقابل درآوردن است، ریشه‌اش ثابت است، اینجا می‌گوید: ادیان دیگر، علف هرز بی‌برکتِ آلوده مزاحم بر روی زمین هستند:«مٰا لَهٰا مِنْ قَرٰارٍ» ﴿إبراهیم، 26﴾، این ادیان، استقرار ندارد! دو روز می‌آید و چند میلیون را به جهنم می‌برد، خود صاحبش هم جهنم می‌رود و باز یکی دیگر می‌آید، آن هم می‌آید و چند میلیون را به جهنم می‌برد و خودش هم جهنم می‌رود و باز یکی دیگر می‌آید. مرتب، دنبال هم می‌آیند؛ نیچه می‌آید و تعدادی را جهنم می‌برد، کانت می‌آید و تعدادی را جهنم می‌برد، فروید می‌آید و تعدادی را جهنم می‌برد، داروین می‌آید و تعدادی را از انسانیت خلع می‌کند، مارکس می‌آید و تعدادی را جهنم می‌برد، لنین می‌آید و میلیون‌ها نفر را هفتادسال در شوروی جهنم می‌برد و بعد هم تمام می‌شود. این دین‌ها قرار ندارد.یک دوره‌ای می‌آیند وعده‌ای هم دورش جمع می‌شوند و جهنم می‌روند و تمام می‌شوند: «و ما لها من قرار.»

روایتی را یادداشت کردم، غیر از آن چهار روایتی که دیشب درباره دین خواندم. آن روایت‌ها بسیار ناب بود. این روایت،کوچک بود، حفظش کنم. روایت، دین را معنا می‌کند و توضیح می‌دهد و در مهم‌ترین کتاب‌هایمان هم هست و جالب است که این روایت، از رسول خدا یا ائمه طاهرین نقل علیهم السلام نقل نشده است. حالا متن را می‌خوانم، ببینید روایت از چه کسی نقل شده است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: گوینده این روایت، خیلی مهماست! پیغمبر یک راویاست و از خودش نمی‌گوید. می‌فرماید که من نقل می‌کنم: «قال حبیبی جبرئیل»، محبوب من، امین وحی،خدا این نظر را دربارهاسلامِ به من داد. ببینیم آنچه جبرئیل به پیغمبر می‌گوید، از خودش می‌گوید؟ اگر از خودش بگوید که جبرئیل هم مثل ما می‌ماند، چون ما هم خیلی چیزها را از خودمان می‌گوییم؛ اما فرق بین انبیا و ائمه و امین وحی با ما، آناست که آنها هیچ‌چیز را از پیش خودشان نمی‌گویند و نهایتاً این سخن برای پروردگار است.

بنده زمانی دنبال این بودم که ریشه دعای کمیل را پیدا کنم که دعای کمیل، کار کیست؟ در کتابخانه آستان قدس، در آن کتاب‌های قدیمی، مطالبی را درباره دعای کمیل و شکلِ خواندن امیرالمؤمنین علیه‌السلام دیدم که قوی‌ترین کمیل‌خوان‌های کره زمین تا روز قیامت، یک شب جمعه نمی‌توانند آن‌طوری که امیرالمؤمنین کمیل خوانده، کمیل بخوانند. کجا می‌توانند؟! کمیل می‌گوید: من اوّلین‌باری که این دعا را شنیدم، شب جمعه بود. در تاریکی مطلق، در مسجد جامع بصره بود و چراغی روشن نبود. ساعت هم از نیمه شب گذشته بود، دیدم که امیرالمؤمنین به سجده رفت، «بسم الله الرحمن الرحیم، اللهم‌ انی اسئلک برحمتک التی»، تا وقت نماز شب، دعایش طول کشید. سرش را که برداشت، خاک زیر صورتش گِل شده بود، از بس ناله زده و گریه کرده بود! مگر تو چه کار کرده بودی علی‌جان؟ تو که کل وجودت، خیر و عبادت بوده، چطور خودتان را کنار خدا کوچک می‌دانستید؟ ایکاش یک قاشق چایخوری از آن دریای معرفتی که خدا به شما چشاند، به ما می‌چشاندید که ما هم در کنار خدا هیچ بشویم. دیگر تمام شد و حضرت در نماز شب رفت و بعد من صبح آمدم، صبح جمعه؛ امیرالمؤمنین چه حالی داشته که شب جمعه را بیدار بوده است. صبح می‌گوید: من آمدم و به حضرت گفتم که مولای من، اگر قلم و کاغذ بیاورم، این دعای دیشب را می‌گویی که بنویسم؟ فرمودند: بله، برو بیاور. دیشب نخوابیدم و خوابم می‌آید و کسل هستم و ناراحتم، روز دوشنبه بیا تا برایت بگویم، انبیا و ائمه 24 ساعته برای نجات مردم جان می‌کَنْدند و مردم گوش نمی‌دادند. حضرت شروع به گفتن کرد و گفت: کمیل! اصل این دعا را از خضر گرفتم. خضر، این دعا را از کجا آورده بود؟ خضر آن‌قدر قدرت داشت که چنین دعایی را انشا کند؟خضر هم متن این دعا را از پروردگار گرفته بود؛ یعنی شب جمعه، مردم که کمیل می‌خوانند، دارند تعلیم خدا را با عقل و دل، تمرین می‌کنند یا با زبان دارند تمرین می‌کنند. حالا بیشتر دعاها که زبانی است و به درد هم نمی‌خورد و کاری هم صورت نمی‌دهد؛ اما حالا آنهایی که با دل، عقل، چشم، اشک، آه و ناله دعا می‌خوانند، دارند تعلیم خدا را در خودشان تحقق می‌دهند.

فردی نزد حضرت باقر علیه‌السلام آمد و گفت: آقا یک روایت با سند برای من می‌گویید؟ روایاتی که می‌خوانیم، سند دارد؛ ولی سندها را روی منبر نمی‌خوانیم؛ وگرنهسند این‌طوری است که اگر در کتاب کافی نگاه کنید، کلینی می‌گوید: من از چه کسی نقل می‌کنم که بهاین،سند می‌گویند. همه اینها ثبت شده است. چهارده‌هزار راوی شیعه داریم که مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی، آنها را خیلی خوب می‌شناخت و کتابی نوشت که سی‌سال طول کشید. طبقات رجال، روایات طبقه‌های اول، دوم، سوم تا طبقات بعد از ائمه و این کتاب که دارد تنظیم و چاپ می‌شود و از عالی‌ترین کتب رجالی شیعه است. یکی از مراجع امروز که زنده است، می‌گفت: آقای بروجردی این چهارده‌هزار راوی را حفظ بود و می‌دانست چه کسی مال کجاست، مال چه زمانی است و از چه امامی روایت نقل کرده است. چهارده هزار نفر!!ببینید اگر آدم به خدا وصل باشد، چه می‌شود!

حضرت باقر علیه‌السلام گفت: من از پدرم، زین‌العابدین از پدرش، ابی‌عبدالله از پدرش، امیرالمؤمنین از پیغمبر، پیغمبر از خدا نقل می‌کند. سند روایاتِ این چهارده‌نفر، خداست و چیزی از خود آنهانیست. جبرئیل این روایت را برای پیغمبر می‌گوید: «قال حبیبی جبرئیل»، یعنی متن معلوم است که برای پروردگار است:«ان مثل هذا الدین»، وصف این دین(مَثَل در اینجا یعنی وصف، تعریف و توصیف)، «کمثل شجرة ثابتة»، مَثَل یک درخت دائمی است که این درخت را برای انسان در کره زمین قرار دادند و تا قیامت هم ماندگار و دائمی است. حالا ببینید خدا چقدر درخت را زیبا توضیح داده است:«الایمان اصلها»، باورها که خدا، قیامت، کتاب، انبیا و فرشتگان را باور داشته باشم. این ریشه دین است. ریشه دین، «و الصلاة عروقها»، نماز، رگ‌های این دین است؛ یعنی اگر کسی نماز نخواند، دین ندارد؛ چون رگی ندارد که خون ایمان در داخلش بچرخد. خیلی تعبیرها عجیب است! اصلاً گاهی آدم، وحشت می‌کند:«و الصلاة عروقها»، نماز، نمازهای واجب یومیه، رگ‌های این دین است؛ رگی که با چرخیدن خون ملکوتی در این رگ‌ها ایمان زنده می‌ماند؛ اگر نماز ترک شود، دین هم در وجود بی‌نماز می‌میرد. «و الزکاة ماؤها»، دست به جیب‌بودن و زکات و خمس‌دادن، آب این درخت است؛ یعنی کشاورزی که زکات گندم، جو، مویز و چوپانی که زکات گوسفند، گاو و شتر را نمی‌دهد، ثروتمندی که زکات طلا و نقره را نمی‌دهد، این درخت دینش در وجود خودش بی‌آب می‌ماند، خشک می‌شود و جزء بی‌دین‌ها می‌شود: «و الصوم سعفها»، روزه، شاخه‌های این دین است که حالا باید به روایات مربوط به شب‌های ماه رمضان و روزهای ماه رمضان مراجعه کرد که این روزه، ما را در سی مرحله به خود پروردگار عالم وصل می‌کند:«الصوم لی و حسن الخلق»، اینکه آدم مهربان، مهرورز، نرم، بدون عصبانیت، بدون خشم و بدون تلخی باشد: «و حسن الخلق ورقها»، برگ‌های این درخت است. درخت اگر برگ نداشته باشد، لخت و بی‌ریخت است. الآن در همین تهران، هر کس در خانه‌اش دوتا درخت، سه‌تا درخت داشته باشد، هیچ‌وقت در این فصل نمی‌آید به همسرش بگوید که سر قالیچه را بگیر تا برویم کنار درخت بیندازیم و بنشینیم صفایی بکنیم! درخت در زمستان چه صفایی دارد؟ چوب خشک است. خداوند می‌فرماید: اخلاق نیکو، برگ‌های این درخت است؛ یعنی سرسبزی‌تان، شادابی‌تان و نشاط‌تان، حُسن خلق است. آخرین جمله روایت که خیلی سنگین است، خدا می‌فرماید: «فلا تکمل شجرة الا بالثمر»، هیچ درختی جز با میوه‌دادن کامل نمی‌شود.

بیشترتان به درخت و باغ وارد هستید! این صاحبان باغ به آن کارگر می‌گویند که اره برقی را بیاور، پنج-شش‌تا درخت نر، داخل باغ است، اینها را از ریشه دربیاور و دور بینداز؛ اینها مزاحم درخت‌های دیگر هستند؛ اما نگهبان می‌گذارند، به‌ویژهشب تا درخت‌هایی که میوه داده، کسی به آن حمله نکند. خدا می‌فرماید: «فلا تکمل شجرة الا بالثمر»، هیچ درختی جز با میوه، کامل نمی‌شد: «کذلک الایمان»، همچنین ایمان کامل نمی‌شود «الا بالکف عن المحارم»؛ مگر اینکه مؤمن از همه حرام‌های الهی خودداری کند؛ اگر از حرام‌های الهی خودداری نکند، این درخت، تنه‌، برگ، آب و سرسبزی‌اش، همه لطمه می‌خورد. این تعبیر [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) از گناه است که می‌گوید: گناه، خود آتش است و نه علت آتش. اصلاً ما هیچ آیه‌ای در [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) نداریم که خدا فرموده باشد گناه سبب آتش است؛ بلکه [قرآن](http://www.erfan.ir/quran/) در همه‌جا می‌گوید: گناه خودِ آتش است؛ ولی چون مردم در دنیا و در سایه رحمانیت من هستند، نمی‌توانند این آتش را ببینند یا لمس کنند یا زخم شوند؛ اما خیمه دنیا را که بلند کنم و مردم وارد قیامت شوند، تمام مجرمان از همه جوارحشان آتش بیرون می‌زند. درخت ایمان کامل نمی‌شود، مگر به خودداری از محرمات: «الا بالکف عن المحارم.»

# قسمت پایانی

خدایا دینی که تعریف کردی و به جبرئیل امر کردی تا برای پیغمبرت تعریف کند، این دین را کامل کن تا ما نمرده‌ایم؛ چون بعد از مردن، دیگر فایده‌ای ندارد و پرونده بسته است. تا ما نمرده‌ایم، این دین را با این تعریفت، به حق خودت و به حق اولیایت به ما(همه مردم کره زمین) من در دعا، آدم بخیلی نیستم. من یک وقتی، مشهد یا کربلا می‌روم، می‌خواهم وارد زیارت شوم، می‌گویم: به نیابت از کل ملائکه، کل جن، کل موجودات زنده، کل آسمان‌ها، کل زمین، کل کهکشان‌ها، کل مرده‌ها، کل زنده‌ها، کل گذشتگان، کل آیندگان، این زیارت را می‌خوانم. این دعا برای کل مردم کره زمین است. حالا جایی که باید مستجاب شود، یقیناً مستجاب می‌شود و آنجایی هم که جای اجابت ندارد، اجابت پیدا نمی‌کند. حالا اگر آدم در حق شمر دعا کند، مستجاب نمی‌شود؛ولی در حق خوبانِ عالَم مستجاب می‌شود. خدایا درکِ حقیقتتِ این دین را به ما، زن و بچه‌های ما و نسل ما تا قیامت عنایت بفرما. خدایا! تو می‌دانی که راست می‌گوییم و دلمان می‌خواهد دیندار واقعی باشیم، دروغ به تو نمی‌گوییم و از دینت هم فراری نیستیم.

گریز و روضه

السلام علیک یااباعبدالله

عصرعاشورا بعدازوداع آخرحضرت با اهل حرم عبدالله بن حسن که کودک 7یا9ساله کگفته اند ازخواب بیدارشد وسراغ عمو را گرفت ، به او گفتن عموبه میدان رفته وزینب کبری دست عبدالله رامحکم گرفت ولی بعدازمدتی خودرا ازدست عمه سادات رهاکرده به سمت قتگاه دوید ودید مردی باشمشیر برهنه به سمت عمو می رود باسرعت خود را به عمورساند ودست کوچکش را سپر عمو کرد دست کوچکش به پوست آویزان شد واین کودک روی سینه ابی عبدالله افتاد ودرتمام حوادث کربلا این یتیم امام حسن همراه عموی غریبش بوده ازنیزه وسنگ وکعب نی وخنجر وسم ستوران و..............

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون